



○ تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی

○ محمدیوسف کیانی

○ انتشارات سمت، ۱۳۸۱

تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی در واقع بررسی فشرده‌ای است بر پیدایش و سیر تاریخی هنر معماری از آغاز اسلام تا عصر حاضر، هنری که در هر دوره سبک و شیوه‌ای خاص داشته است. این بررسی در سه دوره معماری اسلامی از آغاز تا دوره سلجوقیان، از سلجوقیان تا دوره تیموریان و از آغاز دوره صفویان تا عصر حاضر صورت گرفته است.

نویسنده در فصل نخستین به آرایه‌ی اطلاعاتی درباره‌ی معماری و ویژگی‌های آن چون کاربرد بناها، روش ساخت، شیوه‌های تزیین بنا و مصالح ساختمانی پرداخته است. یعنی در واقع ابتدا به این مسئله اشاره می‌شود که در ساخته‌های این دوره کاربرد معنوی و مادی بناها چگونه است و با تقسیم بناها به بناهای مذهبی و غیرمذهبی نویسنده به دریافت و اهمیت این ویژگی در گسترش معماری می‌پردازد و اینکه نحوه ساخت، طراحی و سایر امور ساختمانی مستلزم آگاهی از علمی چون هندسه، ریاضی و طراحی است. فصول دوم، سوم و چهارم به تحولات معماری در این سه دوره پرداخته و در پایان هر فصل نمونه‌هایی از هنر معماری دوره‌های مختلف معرفی گردیده است. چنانچه در معماری ایران از صدر اسلام تا عصر سلجوقیان اشاره می‌شود که در این دوره و با وجود بسط قلمرو اسلام و فتوحات مسلمین در اقصی نقاط ایران، تا مدت‌ها هنر معماری همچنان بر گذشته خود متکی بوده است. سپس با تکیه بر عناصر هنری گذشته به‌ویژه هنر ساسانی و با الهام از روح اسلامی، معماری ایران رونق تازه‌ای گرفته و مسلمانان با ابداعات خود معماری جدیدی را در این دوره بنیان نهادند. در واقع به دلیل ضرورت‌های دینی، اقتصادی و نظامی بناهایی تازه چون مسجد، مدرسه، کاروانسرا و قلعه در شهرها و جاده‌های کاروانی ایجاد شد. فصل سوم که به معماری عصر سلجوقیان تا تیموریان پرداخته، دوره‌ای است که هنر معماری توسعه‌ی روزافزونی می‌یابد. در عصر خوارزمشاهیان نیز معماری اعتباری خاص داشته است و به گفته بسیاری از محققان ویژگی‌های معماری این دوره، ادامه عصر سلجوقی است و از جهت هنرهایی چون فلزکاری، سفالگری، کاشی‌کاری و گچبری و ویژگی‌های معماری سبک جداگانه‌ای داشته که با ویژگی‌های عصر سلجوقی و ایلخانی متفاوت بوده است.

در بررسی معماری ایران از صفویان تا دوران معاصر در فصل چهارم نویسنده با ذکر این نکته که اصفهان به عنوان مرکز هنرهای اسلامی شناخته شد، دوره شاه‌عباس، شاه صفی و شاه‌عباس دوم را دوره رونق هنر معماری می‌داند. دوره‌ای که با حمایت شاهان صفوی هنرهایی چون نقاشی، فلزکاری، سفال‌سازی و معماری به حد اعلای خود رسیده و سبک معماری قدیم ایران تجدید شد و در طرح بناها، شکل و مصالح بناها جای خود را باز کرد. با انقراض صفویه و در سه دوره تاریخی افشاریه، زندیه و قاجاریه توسعه هنرهای گوناگون تا حدود زیادی به دلیل کشمکش‌های سیاسی و جنگ‌های داخلی و خارجی متوقف شد. سبک معماری در این سه دوره همچون دوره صفویه ادامه یافت اما از نظر زیبایی مانند دوره صفویه نبود و به ویژه دوره قاجار و ارتباط با اروپا، منجر به تأثیر هنر اروپایی بر هنرهای اسلامی به خصوص معماری و نقاشی و سفالگری شد. دوره‌ای که از کاشی‌کاری در تزیینات معماری بهره گرفته شد و در پوشش گنبدها، ایوان‌ها و نمای خارجی از کاشی‌های هفت‌رنگ استفاده گردید. مؤلف بر آن است که معماری این سه دوره اعم از بناهای مذهبی و غیرمذهبی از نظر طرح و نقشه به شیوه صفوی است.

نویسنده در فصل پنجم به روند شکل‌گیری مجموعه بناهای مذهبی و غیرمذهبی پرداخته و از جمله مجموعه‌های حرم حضرت رضا (ع) و مجموعه‌ی گنجه‌لیخان را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی با نگاهی کوتاه به توسعه و تکامل هنر معماری ایران از دیدگاه‌های مختلف نشان می‌دهد که برای معمار ایرانی علاوه بر رفع مشکل مسکن و مصون بودن از گرما و سرما، مسائل دیگری چون تقسیم فضاها بر اساس نیازمندی‌های گوناگون روحی و جسمی اهمیت فراوانی داشته است.

معماری با توجه به موقعیت اقلیمی و جغرافیایی این سرزمین در ابداع و نوآوری راه پیشرفت را طی کرده و در ایجاد انواع پوشش‌ها، طاق‌ها، ایوان‌ها، طاق‌نماها، محراب‌ها، مناره‌ها و تزیینات گوناگون بنا در دوره‌های مختلف شاهکارهایی به وجود آورده است. نویسنده معتقد است معماری مانند مثلی است که یک ضلع آن معمار، ضلع دیگرش استفاده‌کنندگان و ضلع سوم متعهدان پرداخت هزینه بنا هستند و جالب اینکه هر یک نقشی اساسی در ایجاد معماری ایران از کهن‌ترین ایام به عهده داشته‌اند، معماری‌ای که جلوه‌ای از عظمت تاریخی و دین‌داری است.